

اشراقیه - میرزا منیر) بوده اند .

جناب میرزا محمد قلی همیشه مورد عنایت جمال مبارک بوده و حضرت عبدالبهاء شرح حال ایشانرا در تذکره‌الوفاء صفحه ۱۱۳ چنین میفرمایند

ص ۱۹۳

جناب آقا میرزا محمد قلی هوآله

جناب آقا میرزا محمد قلی برادر صادق جمال مبارک این شخص بزرگوار از آغاز کودکی بازاده گی معروف و در وقت عروج حضرت والد تازه تولد یافته لهذا از آغاز تا انجام ایام خویش را در آغوش عنایت گذراند از هر فکری در کنار بود و از هر ذکری جز امر مبارک بری و بیزار در ایران در مهد الطاف پرورش یافت و در عراق منظور نظر نیر آفاق بود در حضور مبارک ساقی چای بود و در مرور مبارک ملازم لیل و نهار دائماً ساکت و صامت بود و برعهد آست مستقیم و ثابت مشمول عواطف بود و مصدر لطائف شب و روز بشرف حضور مشول یافت و در جمیع موارد صبور و حمل تا باوج قبول رسید بریگ تیره حرکت میکرد و در رکاب

ص ۱۹۴

مبارک سفر مینمود از عراق در موکب اسم اعظم توجه باسلامبول نمود و در اثنای راه مأمور بنصب خیمه و خرگاه بود در خدمت بنهایت همت میپرداخت و ملال و کلال نمیدانست و همچنین در اسلامبول و ارض سر همیشه او را حال بریک منوال . تا آنکه در معیت حضرت بیچون سرگون بسجن اعظم گردید و در فرمان موبدلاً اسیر زندان بود و راحت و زحمت و سختی و سستی و بیماری و تندرستی در حالت واحده بود و بشکرانه الطاف جمال مبارک در نهایت بلاغت ناطق و با قلبی فارغ و رخی بازغ بحمد و ستایش مألوف و در هر صبح و شام بحضور مشول می یافت و بشرف لقاء محظوظ و مرزوق و بصنمت و سکوت مألوف .

میرزا یحیی در قبرس در يك كوچه نئی كه بنام كوچه ازل معروف است منزل محقر بسیار كوچكى داشته كه در آن زندگى و خود را مدت حیاة بنام مسلمان و شاعر ایرانی معرفی نموده بود - قبرس با آنكه بعد از جنگ بین المللی اول جزو متصرفات انگلیس درآمد و حریت كاملی در آن حكمرما بود مع الوصف چه خودش قبل از جنگ و چه اولادان و پیروان او بعد از جنگ جرأت اینكه خود را بابی و یا ازلی معرفی كنند نداشته اند بلکه مردم آنها را بنام مسلمان میشناخته و اکنون هم نوه او میرزا جلال كه صاحب كتابخانه نئی در قبرس و معروفیتی دارد بنام شخص مسلمان و نوه يك مرد شاعر ایرانی باسم ازل میشناسند یعنی میرزا یحیی را شاعر ایرانی و شخص مسلمانی میدانند كه در يك قرن قبل بقبرس آمده است بهمین مناسبت پس از فوت اولادان او را

در قبرستان مسلمین مدفون ساخته اند - ولی میرزا جلال نوه او اخیراً جسد ایشانرا بجای دیگر نقل نموده است .
این محل در سه كيلومترى خارج شهر فاماگوسا (ماغوسا) در سر راه اسفالتة نيكوزيا كه تقريباً ۱۵۰ متر از جاده مزبور دوراست واقع شده و اطراف آن اهالی قبرس سكونت دارند .
ازل با اینکه ازكودكى در ظل تربيت جمال مبارك بوده مع الوصف بواسطه حب جاه و مقام مخصوصاً بتحرك سيد محمد اصفهانی محبتهای برادر را نادیده گرفته شروع بمخالفت نمود كه شرح آن در متون تاريخ امر مدون و مندرج است - قتل میرزا اسدآله ديان كه از مومنين اوليه بود بفتوای او در بغداد بدست نوكرش میرزا محمد مازندرانی صورت گرفت .

چون دلبر آفاق بجهان اشراق صعود فرمود ثابت بر عهد و میثاق

ص ۱۹۵

و بیزار از مکر و نفاق د نهایت تبّتل و تضرع ایام بسر میبرد و هر
مستأمعی را وعظ و نصیحت میکرد و ایام مبارک را متذکّر و از بقای
در این عالم متأثر بعد از صعود نفسی راحت ننمود و با نفسی مصاحبت
نکرد اکثر اوقات یگانه و تنها در لانه و آشیانه خویش بسر میبرد
و از فراق در احتراق بود روز بروز بر ضعف و ناتوانی افزود تا
آنکه بجهان الهی پرواز کرد و علیه السلام و علیه الثناء و علیه الرحمة
فی حدیقه الرضوان رمس متورش در نقیب طبریا است .
جناب میرزا محمد قلی خود و اولادان نیز در زمان میثاق ثابت بوده اند
لوح مبارک ذیل نیز که باعزازش نازل شده شاهد علاقه وافر حضرت
عبدالبهاء نسبت بایشان است قوله الاحلی
در سمره - عموی عزیز جناب آقا میرزا محمد قلی علیه بهاء الله الأبھی

ص ۱۹۶

ای عموی معزز رفتی بغور و شواطی اردن و ماندم من در این بلایا و محن
تو گاهی در ساحل بخیره و گاهی در پهن دشت عدسیه گهی نقیب و
گهی رقیب و من از صبح در تکاپو در کوچه و بازار دوان و از شدت
تعب ناتوان و چون بخانه برگردم بتحریر مشغول و به تمشیت امور مألوف
و بزحمات بیحد و حصر مبتلا و بمصائب باطن و ظاهر مستغرق در بحر بلا
و نه صبح آرام دارم نه شام راحت جان نه خواب و نه استراحت
وجدان دعا کن و از خدا بخواه بلکه اندک راحتی بجهت من میسر گردد ع ع

شماره ۲۸ میرزا یحیی

میرزا یحیی معروف بصبح ازل پدرش میرزا بزرگ و مادرش کوچک خانم
کرمانشاهی بوده ولی بعضی ها بروجردی گفته اند - مشارالیه در موقع

فوت پدر صغیر بوده و جمال مبارک برای تربیت و سرپرستی او همه نوع

ص ۱۹۷

زحمات را متحمل گشته اند و عاقبت آن زحمات همان بوده است که عمل نموده و در تواریخ امر و الواح مبارکه شرح مخالفت‌های او بتفصیل مذکور است و لوح ذیل که باعز از سلمان نازل گشته گواه اینموضوع است قوله الاحلی (ای سلمان بلالایم علی الظاهر از قبل و بعد بوده و منحصر باین ایام مدان نفسی را که در شهور و سنین بید رحمت تربیت فرمودم بر قتل قیام نمود و اگر از اسرار قبل ذکر نمایم مطلع میشوی که لم یزل بعضی از عباد که بکلمه امریه خلق شده اند با حق بمعارضه برخواستند و از بدایع امرش تخلف نمودند ملاحظه در هاروت و ماروت نما که دو عبد مقرب آلهی بودند از غایت تقدیس بملک موسوم گشتند باراده محیطه از عدم بوجود آمدند و در ملکوت سموات و ارض ذکرشان مذکور و آثارشان مشهور و بشانی عندالله مقرب بودند

ص ۱۹۸

که لسان عظمت بذکرشان ناطق بود تا بمقامی رسیدند که خود را اتقی و اعلی و ازهد ازگل عباد مشاهده نمودند بعد نسیمی از شطر امتحان وزید و بأسفل نیران راجع شدند و تفصیل این دو ملک آنچه مابین ناس مذکور است اکثری کذب و از شاطی صدق بعید است و عندنا علم کل شیئی فی الواح عز محفوظ و مع ذلك احدی بر حق اعتراض ننموده از امم آن عصر که حق جل کبریائه بعد از بلوغ این دو ملک بمقامات قدس قرب چرا این مقام را اخذ فرمود)

سال تولدش در ۱۲۴۷ هجری قمری در طهران و موقع صعود جناب میرزا بزرگ ۸ سال داشته وفات او در یوم دوشنبه ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۰ هجری قمری در شهر ماغوسا واقع در جزیره قبرس در سن ۸۴ سالگی بوده است .

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب ناظم الحکماء چنین میفرمایند (..... ولی عجب در آنست که بعضی از اهل ایران هنوز در زاویه نسیان منعکف و در خواب بی پایان مستغرق بعضی بکلی اصم و ابکم و اعمی با وجود اشراق شمس در کبد سماء سرّاً در نزد بیخبران ذکر یحیی نمایند که چنین است و چنان با وجود آنکه شخص معلوم موجود و مشهود اقلّاً طالبان قدم رنجه فرمایند و بقبرس بشتابند تا بدیده خود ببینند که در چه حال و اولاد در چه اطوار و بگوش خویش شنوند که زبانالکن و بیان بی تبیان نه نطقی نه بیانی نه حکمتی نه اسراری نه بدیع اذکاری و اگر ذهاب و ایاب نتوانند از اهل قبرس استفسارنمایند که آن نفس موهوم با وجود حرّبت معلوم چهل سال در آن جزیره آیانس و احدیرا تبلیغ و تفلیب نموده و یا اثری از اقتدار در امری از امور نموده جمیع اهالی جزیره شهادت دهند که الکن و امکم است لکن نفوسی از اهل اوهام در ایران او را طوطی شکرشکن خوانند و ورقاء خوش الحان نامند (؟؟) باری ذرهم فی خوضهم یعبون)

ص ۲۰۲

میرزا یحیی که حضرات ازلیها او را حضرت ثمره میخوانند زندهای زیادی گرفته است و اولادان او از زندهای متعدده بدینقرار میباشند

۱ - پس از شهادت حضرت ربّ اعلیٰ از طهران بتاگر رفته و در سن ۱۹ سالگی با دختر عموی خود که مسماة بفاطمه خانم شماره ۱۵ که حاجیه خانم هم میگفته اند (دختر میرزا محمّد و طّلان خانم) ازدواج نمود و از این وصلت يك اولاد بوجود آمد که نام او میرزا محمّد هادی (ابقه) بوده است - این مادر و فرزند ساکن تاگر بوده اند .

۲ - ۱ رقیه خانم شماره ۱۶ خواهر حاجیه خانم ۵ اولاد (محترم خانم میرزا وحید - میرزا تقی - مریم خانم - فوادالله) این دو نفر خواهران حوا بودند .

۳ - از بدری جهان خانم (بدری جان) که تفرشی بوده ۲ اولاد داشت

ص ۲۰۳

میرزا محمد که او را بیان آله میگفته اند - طلعت خانم عیال شیخ احمد روحی کرمانی پسر ملا جعفر کرمانی (صاحب کتاب ۸ بهشت در فلسفه بیان و ترجمه کتاب حاجی بابا)

- ۴ - از عیال کرمانشاهی يك اولاد (بنام میرزا نورآله) و این میرزا نورآله دختری دارد مسماء بخانم گل که زوجه مترجم همایون است (مترجم همیون گاهگاهی در روزنامه ها بر ضد امر مقالاتی نوشته است)
- ۵ - از ملکه خانم شیرازی ۴ اولاد میرزا احمد ملقب به بهاج (۱) -
- میرزا عبدالعلی - نوروز علی - صفیه خانم عیال میرزا آقا جان کرمانی که صاحب صد خطابه - آئینه سکندری - ۳ مکتوب - رساله هفتاد و دو ملت - خلاصه البيان است (میرزا احمد اواخر ایام بجمال مبارك مؤمن شده و تا دم آخر ثابت ماند) .
- ۶ - از عیال بغدادی که دختر عربی بوده يك پسر (میرزا رضوان آله)

ص ۲۰۴

- ۷ - دختر ملا عبدالفتاح معروف و بقولی دختر ملا عبدالغنی
- ۸ - زن دیگر که دختر میرزا حیدرقلی نمدساب و خواهر خانم جان شماره ۱۰ بوده (حال معلوم نیست که خواهر امی بوده و یا ابی) و شاید اسم او فاطمه بوده است .
- ۹ - زن معلم (زن ملا محمد معلم نوری که در قلعه شیخ طبرسی شهید گشته)
- ۱۰ - رقیه دختر اعرج اصفهانی
- ۱۱ - نساء خانم طهرانی
- ۱۲ - قانته که اهل بلده و در صفحه نور همراه حضرت طاهره بوده است
- ۱۳ - فاطمه خانم دختر ملا حسین روضه خوان اصفهانی (همشیره ملارجبعلی قهیر) که حرم منقطع حضرت نقطه اولی بوده - فاطمه خانم در اواخر ایام حیاة از دو چشم نابینا و قبرش نیز در امامزاده معصوم است .

ص ۲۰۵

فاطمه خانم در بغداد در غیبت حضرت بهاءآله بعقد میرزا یحیی آمد

۱۴ - از صاحب جان اصفهانی يك پسر بنام میرزا روح آله .
میرزا یحیی در سال ۱۲۶۸ که میرزا ابوطالب با قشون بنور میرود و در
تاگر بوده زن و فرزند خود را گذاشته فراراًبسمت قشلاق
مازندران و از آنجا با لباس درویشی برشت و قزوین و سپس
بکرمانشاه و موقعیکه حضرت بهاءآله در بغداد تشریف داشتند
ببغداد میرود - در اینمَدت همیشه از ترس جان بالباس
مبَدل بحال اختفا بوده است .

شماره ۲۹ ضیاءالسلطنه

ضیاءالسلطنه یکی از دخترهای فتحعلیشاه قاجار بوده و بواسطه علاقه
مفرطی که بنوشتن داشت خط شیوائی پیدا نمود ولی پس از فوت فتحعلیشاه

ص ۲۰۶

عکس ۴ نفر از اخوان مبارک

مربوط بصفحه ۱۹۲

مربوط بصفحه ۱۷۴

میرزا محمدقلی شماره ۲۷

میرزا موسی (کلیم) شماره ۲۲

مربوط بصفحه ۱۹۶

مربوط بصفحه ۱۹۰

ص ۲۰۷

برادران او جناب میرزابزرگ را معین مینمایند که باو تعلیم خط بیاموزد و خود ضیاءالسلطنه بخط خود که در موزه آستانه قم موجود است چنین مینویسد که برادران من مرا نزد بهترین استادان خط گماردند تا تعلیم خط گرفته و برای آموزش پدر قرآنی برای قبرش بنویسم (عین خط او در چند سال قبل در مجله طهران مصور گراور شده بود) و قران خطی ضیاءالسلطنه از بهترین قرآنهاى خوش خط عهد قاجاریه و در موزه آستانه قم مضبوط و نگهداری میشود .

خلاصه ضیاءالسلطنه با مرحوم میرزا بزرگ ازدواج و یکهزارو پانصد تومان مهریه معین میگردد ولی جدائی آنها معلوم نشد بچه علت بوده همین قدر معلوم است که خانه های ایشان در مقابل مهر ضیاءالسلطنه بخریمه رفته و شاید هم د اواخر ایام حیاة یکی از عللی که سبب گردید اقبال از

ص ۲۰۸

میرزابزرگ برگشته و از وظائف دولتی برکنار شده اند بواسطه مزاجت با ضیاءالسلطنه بوده که برادران مقتدر او مخالف این موضوع بوده اند - این بود شرح حال زنان و اولادان میرزا عباس (میرزابزرگ) و از این ببعد بشرح حال نواده و نتیجه های ایشان میپردازیم .

شماره ۳۰ شمسیه خانم

شمسیه خانم دختر آمیرزا محمد حسن و نبات خانم (اخوی زاده مبارک)

بسیار زن مؤمنه و مخلصه بوده چون بیکی از اهالی لاریجان بنام ملا احمد لاریجانی شوهر کرد لهذا ساکن آمل گردید - الواحی از قلم مبارك جمال قدم بأعزازش نازل که سرلوحه آن گاهی بعنوان شمسیه و گاهی بعنوان بنت اخیه و گاهی نیز به شمسیه بنت اخیه خطاب میفرمایند شمسیه خانم اولاد و احفادش ساکن طهران و آمل و از امر خبری ندارند

ص ۲۰۹

از قلم مبارك حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا نیز لوحی توسط مرحوم نظام الممالك بأعزاز مشارالیهها نازل که عیناً درج میشود . بواسطه آمیرزا فضل الله همشیره محترمه ایشان امه الله شمسیه و فرزند دلبد همشیره عباس آقا علیهاالبهاء الأبھی هوالله ای دو منتسبین شجره مبارکه حمد کنید خدا را که از این دوحه مقدسه نابت شدید و از خدا بخواهید که ثابت مانید از ثبوت هر شجری برگ و شکوفه نماید و بنهایت طراوت و لطافت جلوه کند هر برگی که استمداد مستمر از شجر دارد همیشه سبز و خرم است و از شبنم عنایت تر و تازه امیدم چنانست که قدر این انتساب را بدانید و در دو جهان کام دل و آرزوی جان بیابید و علیکما البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس

ص ۲۱۰

شمسیه خانم در آخر ایام حیاتش چون مایوس از اولاد و اجفاد بود لذا الواح خود را بمرحوم نظام الممالك برادرش بخشید .

شماره ۳۱ شهربانو خانم

شهربانو خانم دختر آمیرزا محمد حسن و عیال خواجو (اخوی زاده مبارك) این خانم از بچه گی نامزد حضرت حضرت عبدالبهاء بوده ولی شاه سلطان خانم شماره ۲۴ که با جمال مبارك مخالف بود او را بعقد میرزا علیخان

خطاب بجناب علی قبل اکبر میفرمایند (أن انظر ثم اذكر فی امه
رجعت الی مقرها اتها بدکت النور بالنار و باعت ملک الناس
بقطعة من الالماس - مع کمال محبت و اقبال و ادعای عرفان

ص ۲۱۳

داهیه بیک گل الماس او را فریب داد از حق معرض و بغیر او مقبل
این است شأن دنیا و اهل آن از اول امر معرض بود هو ابدأ اطلاع
نداشته و ندارد چه که با ما نبوده خضوع و خشوع بیعنی حضرات (ق)
آن نفوس را بر آن داشت که اظهار ایمان نمایند اته یعلم ما فی الصدور
و مافی القلوب و هو العلیم الخبیر)

و حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا در لوح شیخ قمی میفرمایند قوله الاحلی
(یکی از نبات اعمام از صغر سن باراده مبارک نامزد این عبد بود
چون بیغداد آمدیم عم بزرگوار بساحت اقدس شتافت و گریه کنان
رجای تحکیم و توثیق این ارتباط نمود ولی این عبد قبول نمینمود عاقبت
بامر قطعی مبارک قبول نمودم معذک همواره آرزوی تجرد داشتم تا
بأدرنه آمدیم و در ادرنه بودیم که عمه (خانم بزرگ) چون ارتباط

ص ۲۱۴

به یحیی داشت محض سرور خاطر آن کوشید تا آن بیچاره را به پسر صدراعظم
میرزا علیخان داد از قرار مذکور گریه کنان و هراسان و لرزان رفت
و ایام معدود نگذشت که بمرض سل مبتلا گردید و مسلولاً وفات نمود رحمة الله
علیها) مرحوم نظام الممالک در یادداشتهای خود مینویسد موقعی که جمال مقصود
در ادرنه تشریف داشتند شرحی بأعزاز ملا زین العابدین عمو مرقوم که فوراً
شهربانو را از تاکر بطهران حرکت داده و در طهران مخارج سفر را از فروش
اثاث البیت تأمین و بیغداد حرکت کنید همینکه بیغداد رسیدید نزد
فلان شخص رفته و جوهی دریافت و بأدرنه حرکت نمائید و در ضمن تأکید
صریح فرمودند که فوری حرکت کنید و تأخیر در حرکت جائز نیست
مرحوم ملا زین العابدین شهربانو خانم (همشیره) را در سنه ۱۲۸۵

حسب الأمر اطهر اقدس از تاكر حرکت داده بطهران ورود نمودند و در

ص ۲۱۵

صدد حرکت بودند که عمه از جریان مسبوق شده و او را بمنزل خود برد و بانواع و اقسام حیل همشیره را که از طرف مادر با صدراعظم نسبت داشت بعقد ازدواج میرزا علیخان در میاورد - در ضمن مینویسد لوح مزبور نزد من بوده چند سال قبل بجناب فاضل مازندرانی داده ام بعد مینویسد که من طفل بودم روزی از تاكر بطهران آمده برای دیدن همشیره (شهربانو خانم) بمنزل میرزا علیخان پسر صدراعظم رفتم مشارالیه در حیاط قدم میزد و من رفتم در طالار دیدن همشیره مرا بوسید پس از تعارف و صرف غذا عصری بمن گفت داداش جان تو طفلی و گناهی نداری من دعا میکنم و تو آمین بگو امید است که خداوند دعای مرا بواسطه آمین تو مستجاب کند - لهذا نماز خواند و دست باآسمان بلند کرده و گفت خدایا این ننگ که من همسر میرزا علیخان هستم مرا بس است

ص ۲۱۶

خدایا مرگ مرا برسان که تا از این زندگانی ننگین راحت شوم منهم نفهمیده آمین میگفتم و آنروز در خدمتش بودم و مرخص شدم و بتاكر رفتم ولی پس از مدت قلیلی شنیدم که همشیره فوت کرده است - در ضمن مینویسد که شهربانو خانم فقط یکسال زن میرزا علیخان بوده است و ازاین وصلت بی نهایت ناراضی بوده وجوانمرگ گردید . قبرش جنب قبر پدر در راهرو بین الحرمین در حضرت عبدالعظیم است

شماره ۳۲ کلثوم خانم

کلثوم خانم دختر آمیرزا محمد حسن و عیال خواجو (اخوی زاده مبارک) که همشیره شهربانو خانم است - پس از فوت خواهر بحباله نکاح میرزا علیخان پسر صدراعظم درآمد و او در کمال خوشروئی و صفا باین

وصلت تن داده و اولادانی نیز پیدا کرده است .

ص ۲۱۷

شماره ۳۳ زهرا خاتون

زهرا خاتون حرم کوچک آمیرزا محمد حسن شماره ۱۷ (دختر میرزا خداویردی پسر فتحعلی بیک) مادرش سکینه خانم خواهر ملا علی بابای شهید است - این خانم آخرین عیال آمیرزا محمد حسن و از حضرت عبدالبهاء تقریباً چهار الی پنج سال بزرگتر بوده است - زنی مؤمنه و مخلصه و سکونتش در تاکر بوده چون پیروان میرزا یحیی نفوسی را اغوا و القاء شبهات کرده و بسمت میرزا یحیی متمایل مینمودند لهذا لوحی از قلم مبارک جمال قدم جل ذکره از سجن عکا باعزازش نازل میشود قوله الأهلئ (زهرا - الأقدس الأبھی - ای امه الله اگر از منزل پرسی سجن و اگر از غذا پرسی بلایا و محن و اگر از جسد پرسی در ضعف و اگر از روح پرسی در سرور و فرحی که مقابله نمینماید بآن سرور من علی الأرض حبس را

ص ۲۱۸

قبول فرمودیم تاگردنهای عباد از سلاسل نفس و هوی فارغ شود و ذلت اختیار نمودیم تا عزت احبا از مشرق اراده اشراق نماید همچو مدان که حق عاجز است قسم باسم اعظم که اگر اراده فرماید ارواح جمیع امم را بکلمه اخذ نماید معذلك از ظلم ظالمین چشم پوشیده و حمل بلایای لایحصى فرموده تا گل را بمدینه باقیه ابدیه کشاند .
لا یعلم ذلك الا الوا الالباب گوش بسخنهاى جنود شیطانیه
مکن بجان و دل بشطر رضوان توجه نما تا عرف رحمن را از قمیصش که بدم بغضا محمر گشته بیابی و استنشاق نمائی والبهاء عليك و
علی الذین آمنوا بالله العزیز العلیم)
و لوحی دیگر از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء نازل قوله الأهلئ (بواسطه جناب آمیرزا فضل اله والده محترمه شان زهره زهرا و

آحسن و تاجی و فرنگیس و والده شان علیه و علیهن البهائالبهی
 هوآله ای خاندان حضرت عم بزرگوار عم جلیل بر سریر
 مقعد صدق عند ملیک مقتدر جالس و ببازماندگان ناظر و جان
 پاکش حاضر پس بکوشید تا آن شخص جلیل در ملکوت ربّ جمیل
 نهایت فرح و سرور حاصل نماید آن روح مصّور بعبدالبهاء
 بسیارمهربان بود و در صغر سن در نور شب و روز بنوازش میپرداخت
 و در آغوش میگرفت مهربانی او فراموش نگردد و عبدالبهاء از ذکر
 او خاموش نشود همواره بیاد ذکر او پردازد و از الطاف الهی فیض
 و فوز نامتناهی طلبد امّآله زهرا در صغر سن در آن قریه نوره
 بخاطر می آید که با پدر مرحومش آمیرزا خداوردی در هر صباح و مساء
 حاضر میشد و چون طفل بود صحبت شیرین مینمود و کلماتش دلنشین بود

امیدم چنانست که حال در کبر سن خوشتر و شیرین تر و بهتر و دلکشر
 بذکر جلیل اکبر پردازد و علی الکل البهائالبهی عبدالبهاء عباس)
 این خانم مادر میرزا فضل آله نظام الممالک وحسین آقا بوده قبرش
 در وسط تکیه تاگر است -

شماره ۳۴ میرزا فضل الله

میرزا فضل آله نظام الممالک پسر آمیرزا محمّد حسن شماره ۱۷ و زهرا
 (برادر زاده مبارک) بوده در بچه گی پدرشان صعود و مادر با کمال
 زحمت و سختی ایشانرا بزرگ مینماید همینکه بحد رشد میرسد ابتدا
 بسمت یحیی متمایل و در همان اوان دختر میرزا محمود (اخوی زاده
 امی مبارک) و فاطمه سلطان خانم شماره ۲۵ (که هردو ازلی بوده اند)
 مسمّاة به حمیده خانم را بحباله نکاح خود در میآورد و از این اقتران

اولادانی پیدا نمود بدین شرح (۱ - ایران تاج خانم حرم امیر مصدق
 خواجه نوری ۲ - فرنگیس خانم حرم میرزا مهدی شریعت زاده ۳ -
 بدیعه خانم حرم میرزا مهدی (ابقا) نوه میرزا یحیی ازل ۴ - معصومه خانم
 حرم منتصر دیوان تاکری ۵ - میرزا حسنخان اورنگی ۶ - زینت الملوك
 حرم عبا آقا شایان پسر شمسیه خانم شماره ۳۰) بعد رفته رفته
 بامر مبارك تصدیق کرده و در سال ۱۳۳۵ هجری قمری مشرف میشود
 و حضرت عبدالبهاء باو امر میفرمایند شجره نامه فامیلی و تاریخ وقایع
 تا کر را تهیه کرده و بأرض مقصود بفرستد اوهم در این باره زحمات
 زیادی را متحمل گردیده شجره نامه و تاریخ وقایع و غارت تا کر را تهیه
 و ارسال داشت - مشارالیه مورد عنایت مبارك حضرت عبدالبهاء و
 هم حضرت ولی امرالله بوده است - الواح زیادی بافتخارش نازل

که مقداری درج گردیده و چند فقره دیگر نیز درج میشود :

نور - جناب آمیرزافضل الله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای منسوب نیر آفاق حضرت عم بزرگوار از ملکوت اسرار نظر بشما
 دارد زیرا یادگار آن سرور ابرارید لهذا بسیار عزیزید الحمدالله که
 حجات اوهم دریدی و ندای الهی شنیدی و نور حقیقت دیدی و
 بسرمنزل مقصود رسیدی ایامیکه همدم و هم نشین بودیم همیشه در
 نظر است و از رب البشر چنین منتظر است که همواره نظر بمنظر اکبر کنی
 و دمادمخوشر و مویدتر گردی و در صفحات نور مظهر فضل موفور شوی
 و سبب اعلاء کلمه الله و نشر نفحات الله گردی جمیع یاران و اماء رحمن
 را تحیت ابدع ابهی برسان و عليك البها الابهی عبدالبهاء عباس

تاكر نور جناب آميرزا فضل آله خان نظام الممالك عليه التحية والثناء

هوآله

ای منتسب عزیز عبدالبهاء نامہ شما وصول یافت و نہایت سرور حصول گشت زیرا دلیل بر صحت و سلامت آن یار مہربان بود و همچنین برہان ثبوت و استقامت یاران از عدم فرصت مختصر جواب مینگارم الحمدلآلہ آثار حسینیتہ کہ در مقابل بیت واقع محفوظ و مصون ماند تعلیم اطفال بی نہایت محبوب شجرہ نامہ مرسلہ نرسید خریطہ یعنی نقشہ اصلیتہ بیت مبارکرا بنہایت اتقان بگیریید کہ درین خانوادہ محفوظ و مصون ماند امیدواریم عنقریب اسباب فراہم آید و آن عمارت بتامہا برنقشہ اصلیتہ دوبارہ تأسیس گردد . مرکزیت دامنہ اورنگ را بتمام قوت حفظ نمائید بنای سدی کہ در مقابل طغیان آب درہ لازم تا بیت مبارک از

خطر محفوظ ماند البتہ محبوب و مرغوبست لهذا از طرف عبدالبهاء بقدر امکان معاونت خواهد شد مطمئن باش بجهة شہدای قریہ فرداً فرداً مناجات و از برای بعضی زیارت نامہ بنہایت فصاحت و بلاغت و اتقان مرقوم گردید و چندی پیش ارسال شد ولکن شما وصول مرقوم ننمودہ بودید و نہ جناب عزیز البتہ بعد از وصول مرقوم دارید . آن نفوس مبارکہ کہ در سبیل الہی جانفشانی نمودہ اند و همچنین نفوسیکہ با ثبوت و استقامت عروج فرمودند بسیار محبوب و مقرب درگاہ کبریا هستند لهذا آن مناجاتہا و زیارت نامہ ہا مرقوم گردید و در نزد جناب باقراف ارسال شد کہ ایشان بفرستند خلاصہ من از برای تو عزت ابدیتہ میطلبم و مقربیتہ درگاہ جمال مبارک میجویم باید شما نیز چنان بکوشید کہ روز بروز برافروزید و بیشتر جلوہ نمائید

همواره بدرگاه احدیت تضرع و زاری مینمایم و از برای شما تأیید و توفیق میطلبم که یوماً فیوماً انتساب بعبته مقدسه بیشتر جلوه نماید بجمیع یاران فرداً فرداً تحیت ابدع ابهی! برسان و آنچه حواله بر جناب امین شد حال پانصد تومان است و عليك البهائه الابهی!

۱۱ ذیقعدہ ۱۳۳۹ حیفاً عبدالبهائه عباس

هوآله

ای سلیل عم جلیل حمد کن خدا را که در آن خاندان نفسی در کمال ایمان و ایقان مبعوث شد و بعنایت حق بر خطه نور لمعه طور پرتو انداخت و اشراق شمس حقیقت سطوع یافت . قدر این فضل موفور بدانید و در نهایت سرور و حبور بشکرانه ملیک یوم نشور زبان بگشائید که چنین عطائی مبذول داشت و چنین شمع هدایت کبری! موقود گشت

امیدم چنانست که در آنموطن جمال مبارک روحی لأحبائه الفدا نفوسی مبعوث شوند که شمع هدی! گردند و کوکب ساطع از افق اعلی! بسیار محزون بودم که جمیع آفاق روشن گردد و نفحات معطره جنت ابهی! منتشر شود و ندای ملأ اعلی نفوسرا بأهتزاز آرد و خطه نور محروم ماند حال الحمدله شمس حقیقت بآندیار پرتوی از عالماسرار زد نهایت سرور حاصل شد . امیدم چنان است که این نور هدایت در آنموطن مبارک شعله شدید زند و قریب و بعید ترتیل آیات توحید نمایند حال من در امریک ایام میگذرانم . با وجود آنکه فرصت تحریر یک کلمه ندارم بنگارش این نامه مفصل پرداختم . زیرا شب و روز آرام ندارم یعنی در محافل عمومی و کنائس عظمی! و مجامع خصوصی شب و روز بنشر نفحات آله مشغولم و غلغله عظیمی افتاده ولوله در شهر نیست

جز شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
اکثر اوقات جمعی منتظر ملاقاتند ولی فرصت ندارم با وجود این
چون از بشارت نور مسرور شدم بی اختیار بنگارش این نامه پرداختم
تا بدانید که بچه درجه بشما محبت و تعلق دارم تا توانید بکوشید که
آن کشور مبارک معطر گردد و آن وطن مقدس منور شود ع ع

الهی الهی لك الحمد بما اشرفت الأنوار فی تلك الدیار و انتشرت النفحات
فی تلك المعاهد والأقطار موطن ملكوت الإسرار و منبت
الشجرة المباركة التي امتدت فروعها على كل الأرجاء و ظلت على الآفاق
ربّ اید عبادك الأبرار على نشر الآثار فی تلك الدیار التي
انتسب اليك بين الاحرار و اید هذآلفتی الروحانی فضل آله نحل
الرجل الجليل التوراتی بتأييدات ملكوتك الأبهی! انك انت الکریم انك انت
الرحمن الرحيم ع ع

ص ۲۲۸

فرصت نیست مکتوب ثانی نیز وصول یافت حواله جوف را از طهران بگیرید ع ع
باری با ملاحظه الواح فوق معلوم میشود که چقدر هیكل مبارک حضرت
عبدالبهاء روحی و روح احبائه له الفدا به پسر عموی خودشان میزرا فضل آله
(نظام الممالک) محبت و علاقه داشته اند -
این شخص محترم برای تنظیم شجره نامه (۱) و ساختمان بیت مبارک تاکر و
سد رودخانه (رود نور) و آبادی تاکر بی نهایت زحمت کشید
و آثاری از خود بیادگار گذاشته است - تاریخ صعودش ۲۷ مرداد
سال ۱۳۲۴ شمسی و قبرش در راهرو شرقی حسینیّه (تکیه) تاکر واقع است
اولادان مرحوم نظام الممالک (حسن اورنگی - معصومه خانم منتصری) بپدر
تأسی کرده بهائی شدند (بدیعه خانم و زینت خانم) بمادر تأسی نموده

(۱) هیكل مبارک حضرت ولی امرآله از روی شجره نامه میرزا فضل آله شجره جالبی
تنظیم که در کتاب عالم بهائی جلد ۵ چاپ و منتشر گشته است .

ازلی ماندند (ایران تاج خانم و فرنگیس خانم) بشوهرانشان پیروی کرده مسلمان هستند

شماره ۳۵ زهرا خانم

زهرا خانم ملقبه به ثمره صبیّه آمیرزا رضاقلی و مریم (اخوی زاده مبارک) که فخرالحاجیه هم بایشان گفته میشد - خانمی بودند بسیار موقر و مؤمن که حرم میرزا اسمعیل شماره ۳۸ (خالوزاده و عمه زاده حضرت عبدالبهاء) گشتند از اقتران آن دو نفر دو اولاد بوجود آمد .

۱ - زیننده خانم ثمری حرم مرحوم صنیع السلطان شماره ۳۹

۲ - ناصرخان ثمری

لوح مبارک ذیل که بافتخار حضرت ثمره نازل گشته ذیلاً درج میشود .
هوآله ای ثمره این شجره فی الحقیقه مظلومی و محزون و آنچه

آه و فغان نمائی حق داری زیرا راحت و آسایش هردو از برای شما نمانده ولی خوبی در این است که میگذرد و آنچه ابدی و باقیست الحمدلله در نهایت کمال و چون دریای احزان به هیجان آید الطاف و عنایت جمال مبارک را بخاطر آر احزان مبدل بفرح گردد و ظلمات بلایا برطرف شود و انوار بشارات آلهیه بتابد قدری صبر نمائید جمیع امور درست گردد در جمیع اوقات در خاطری و رقعات مبارکه دقیقه فراموش ننمایند و عبدالبهاء در نهایت مهربانی اصل اینست پس صابر باش و مطمئن بفضل

حق ع ع

قبر حضرت ثمره در امامزاده معصوم است

ص ۲۳۱

کلثوم خانم صبیّه آمیرزارضا قلی و قمر خانم (اخوی زاده مبارک)
ایمانی بنقطه بیان و حضرت بهاء‌الله نداشته - این خانم عیال
میرزاحسن خان امیرشکار شده و هنوز هم در قید حیات و اولادانی
دارد که ابداً بوئی از امر نبرده و شاید اسمی هم نشنیده باشند .

میرزا تقی معروف به حکمی فرزند آمیرزا رضا قلی و قمرخانم (اخوی زاده مبارک)
که فقط تا سال ۱۳۳۵ شمسی در قید حیاة بوده ایشان هم با دختر
میرشکار بزرگ مزاجت کرده و اولادانی دارد ولی نه اولادان کلثوم خانم
و نه اولادان حکمی هیچکدام در ظل امر نیستند ولی خود حکمی محبت جزئی
داشته بقسمی که معلوم است موقعیکه حضرت عبدالبهاء در امریکا
تشریف داشتند عریضه بحضور مبارک عرض مینماید و لوح مبارک ذیل

ص ۲۳۲

باعزاز نظام الممالک نازل که دآل بر اینموضوع میباشد قوله الاحلی :

پلازا هتل - شیکاگو هو

جناب ابن عم آمیرزافضل الله علیه بهاء‌الله الابهی

هو الله

ای نابت ازشجره مبارکه در سفریم در تعبیم هر صبحی در یک کشوریم هر شامی
در بدریم الحمدالله ممالک غرب از انوار شرق روشن گردیده فریاد
یا بهاء‌اللهی است که از کوه و صحرا بلند است ایرانیان هنوز در خوابند
امریکائیان بیدار شده اند عنقریب نعره ناقور و نفحه صور آفاق

را مبعوث از قبور نماید شمایل دلبر شما بسیار سبب سرور جان پرور
گردید علی الخصوص چون مطالعه نامه عموزاده محترم سلیل جلیل آمیرزا
رضاقلی مرحوم شد الحمدلله آن خانه روشن و آن خانواده گلشن

ص ۲۳۳

گشت سرور اندر سرور حاصل شد نهایت اشتیاق ابلاغ نمائید
البته نامه های ایشان پی در پی خواهد رسید . جمیع را تحیت برساند
فرصت تحریر يك كلمه نیست لهذا عذر میخواهم عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب ناظم خراسانی میرزامحمدتقلی سلیل آقامیرزارضاقلی
علیه هواله بهاءالله الأبھی

ای بنده آستان مقدس نامه شما در بدایت شهر شعبان سنه ۱۳۳۱
رسید فوراً جواب مرقوم میشود از مضمون نامه شما نهایت سرور حاصل
زیرا دلیل بر اقبال بساحت کبریا بود و برهان بصیرت معنوی
حمد کن خدا را که پرتو شمس حقیقت بر دل و جان زد چشم بینا شد
و گوش شنوا گردید امید چنانست که سبب هدایت دیگران گردی
تا جمیع آن خاندان در سایه شجره مبارکه در آیند و انوار عزت ابدیه

ص ۲۳۴

بر آن دودمان ساطع و لامع گردد در خصوص تأهل و خویشی به میرشکار
مرقوم نموده بودی از خدا خواهم که سبب سرور و شادمانی گردد و
علیک البهء الأبھی عبدالبهاء عباس

هو) صدراعظم میرزا آقاخان وقتیکه ایران را در تحت استیلا داشت
خواست نسبت خویشرا بشخص شهیری برساند یکی از اهالی قریه بُخ نسبت
او را بخواجه اباصلت هروی رساند که خواجه را کنیزی بود و این طایفه
خواجه از سلسله آن خواجه هستند حضرات صدراعظمی جمیع جشن گرفتند
که الحمدلله از سلاله خواجه اباصلت هستند و خواجه اباصلت شخصی بود که

بخدمت امام رضا علیه السلام میرسید حال تو ملاحظه نما که منسوب به کی هستی
قدر بدان و بآنچه سزاوار این نسبت است عمل نما و عليك البهاء الابهی
عبدالبهاء عباس

ص ۲۳۵

حضرت عبدالبهاء ذکر میرزا آقاخان صدراعظم را نمودند که چون
بمکنّت و دولت رسید جمیع امور ایران را در زیر دست خود آورد
بشخص جاهلی از اقربایش منصب حکومت داده بود از ده صدراعظم
استاد علی محمد دلاک آمد بطهران سرتیپ شد هفتصد تومان مواجب میگرفت
و سوار اسب شده در کوچه ها گردش میکرد دیگری احمد خان خزپوش
سوار میشد هفتاد فراش جلوی راه میرفتند میرزا محمد صادق خان
هیچ بود در آذربایجان قائم مقام شد میرزا فضل الله برادرش دیوانه
بود در آذربایجان بمنصب بزرگی رسید پسر زکیخان گرسنه و تشنه
همه صاحبمنصب شدند و از طرف دیگر دشمنانش را همه را ذلیل و
پراکنده نمود مثل عزیزخان سردار - مستوفی الممالک بلاها بر سر آنها
وارد آورد وقتی در فکر افتادند که سلاله خود را بشخص جلیلی برسانند

ص ۲۳۶

یک میرزا علیرضا بود در مازندران تاریخ دان و فاضل بود او را خواستند
و باو پول و منصب داده خواهش نموده تفتیش نماید که تاریخ آنها را
بشخص جلیلی برساند او متحیر شد که اینها را بکی و کجا برساند زیرا
پدر میرزا آقاخان اسمش میرزا اسدالله بود و آخوند مکتبی بود یکوقتی
محمد شاه از ده آنها عبور کرده خواسته بود مکتوبی بنویسد سؤال
میکند میرزا اسدالله آخوند را میآورند و بعد گفته بود تو همراه ما
باش بعد کم کم میرزا اسدالله خان شد میرزا علی رضا (۱) سعی کرد و
یکروز آمد مژده داد که پیدا کردم و آن اینکه چون اینها اسم طائفه شان
خواجه بود گفت من تدقیقات و تحقیقات تاریخیه بسیار نمودم و
آن اینکه طایفه شما یکی بعد از یکی میرسد بخواجه اباصلت - در آن

زمان در خانه خواجه اباصلت يك كنیزی بود که وقتی خواجه مُرد او

(۱) میرزا علیرضا محمودزاده جد خانواده ملك خسروی بوده است

ص ۲۳۷

حامله بود از آن کنیز طفلی بدنیا آمد و او سررشته سلسله عائله شماس است
حضرات مسرور شده عید مفصلی گرفتند که الحمد لله بچنین افتخاری
مفتخر شدند و باو انعام و عطیه های زیاد دادند بعد میرزا علیرضا شوخی
میکرد که این کنیز بعد از فوت خواجه اباصلت بدو سال حامله شد
(بیان مبارک در حیفاً ۱۸ فوریه سنه ۱۸۱۶ م صفحه ۸۶۴ رحیق مختوم)

شماره ۳۸ میرزا اسمعیل

میرزا اسمعیل فرزند میرزا محمود خالو و ساره خانم شماره ۲۰ (همشیره زاده
مبارک) که هم پسر دائی و هم پسر عمه حضرت عبدالبهاء بوده اند
ایشان پس از اینکه با حضرت ثمره (زهرا خانم شماره ۳۵ دختر مریم)
ازدواج نمودند چنانچه قبلاً اشاره شده صاحب ۲ اولاد گردیدند
یکی خانم زبینه خانم شماره ۳۹ و دیگری ناصرخان ثمری - قبر میرزا

ص ۲۳۸

اسمعیل جنب قبر مادر (ساره خانم) در بی بی زبیده است .

شماره ۳۹ زبینه خانم

زبینه خانم ثمره حرم مرحوم صنیع السلطان و دختر میرزا اسمعیل ۳۸
و زهرا ۳۵ (نوه خواهر و نوه برادر بزرگ) بسیار زن مؤمنه و مخلصه
و بی نهایت مورد عنایت وافر حضرت ولی امراله (شوقی ربّانی)

ارواحنا و ارواح العالمین لتربته الفدا بوده اند - این خانم محترمه از سه طرف با حضرت عبدالبهاء قرابت دارند هم نوه دائی و هم نوه عمه و هم نوه عموی مبارکند - بطور کلی از بستگان مبارک در این تاریخ که اول سال ۱۳۳۷ شمسی است فقط دو نفر مؤمن و در قید حیاتند که یکی زیننده خانم نوه آمیرزا رضاقلی شماره ۲۶ و دیگری معصومه خانم منتصری ساکن تاکر نوه آمیرزا محمد حسن شماره ۱۷ .

ص ۲۳۹

الواحی نیز از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء باعزاز زیننده خانم نازل که عیناً درج میشود .

ط - امه الله ورقه مؤمنه زیننده خانم علیها بهاء الله

هو الله

ای زیننده فرخنده خجسته دل در آستان حضرت دوست کنیز مقبول و با تمیزی و فرط انشراح و بنفحات قدس فرح انگیز در هر دمی صدهزار شکر باستان مقدس نما که به ثبوت بر پیمان موصوفی و بخلوص در محبت رحمن معروف حضرت ثمره که در آغوش تربیتش پرورش یافتی یگانه ثمره طیبه و دزدانه صدف ثبوت میثاقست و در عتبه مقدسه کوکب اشراق مقبول و مقرب و ممتاز پس شکر نما که مظهر الطاف حضرت احدیتی و مطلع آثار توجه جناب وحدانیت و عليك البهاء ع ع

ص ۲۴۰

ورقه نوره امه الله زیننده خانم صبیّه امه البهاء حضرت ثمره شجره رحمانیت علیه بهاء الله هو

ای ورقه نوره حوره زیننده آستان حضرت بیچون و پاینده و محفوظ و مصون باشی ثابت میثاق آیت اشراقست و رایت نیر آفاق و شجر نابت در حدیقه وفاق از فضل حضرت یزدان میطلبم که دائماً رخ پرتو آفتاب عهد روشن داری و دل برشحات ابر پیمان گلشن فرمائی تا فیوضات دمام و عون و عنایت همدم گردد ع ع

ط - ورقه طيبه امة الله زيننده خانم عليها بهاء الأبهى هو الأبهى
يا ايته الورقة الخضلة النضرة البديعه اشكر الله بمانليك (؟؟) من الثمرة الكاملة
الناطقه بذكر مارتها اي ربّ ثبت منتها على عهدك و قوم لينتها بفضلك و قود وحتها
بسلطانك و ربها في ظل شجره وحدانيتك انتك انت الكريم المعطى الوهاب ع ع

ص ٢٤١

توضیح آنکه - خانه میرزا اسمعیل وزیر (پدر حضرت آسیه خانم) واقعه
در یالرود که ارثاً بخانم زیننده خانم و ناصرخان اخویشان رسیده
بود با اینکه مطمئناً موطنی اقدام مبارک حضرت بهاء الله و حضرت
عبدالبهاء و محل نشو و نمای ایام جوانی حضرت آسیه خانم بوده قدر
آن را ندانسته و به ثمن بختی فروختند و از قراریکه در یالرود شهرت داشت
در عهد میرزا اسمعیل وزیر که عمله روزی ده پانزده شاهی بود خانه مزبور
برای ساختمانش زیاده از یازده هزار تومان خرج برداشته ولی ناصرخان
شمری خانه و مقداری ملک را در چند سال قبل به پانصد تومان میفروشد .

شماره ٤٠ حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء روحی لترات اقدامه الفدا اسم مبارکشان عباس
جد پدریشان میرزا بزرگ وزیر تاگری وجد مادریشان میرزا اسمعیل وزیر

ص ٢٤٢

یالرودی بوده است از دو طرف اجدادشان وزیر بوده - حضرتشان
در فامیل عباس سوم بوده اند اول کربلایی عباس خان (پدر رضاقلی بیگ)
دوم میرزا عباس معروف بمیرزا بزرگ (پسر رضاقلی بیگ) که پدر
جمال مبارک باشد سوم عباس ملقب بحضرت عبدالبهاء (فرزند برومند
جمال مبارک و آسیه خانم) حضرت بهاء الله حضرتشان را بالقاب
عالیه (سرالله الأعظم - غصن الله الأعظم - من اراده الله - حضرت مولی الوری

عبدالبهاء (۱) خطاب فرموده اند .

تاریخ تولدشان در طهران نیمه شب لیلۀ پنجم جمادی الأوّل سال ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق بهار سال ۱۸۴۴ میلادی و صعود مبارکشان لیلۀ دوشنبه

۱ - در صفحه ۲۹۵ ادعیه محبوب چاپ مصر ضمن خطبۀ ازدواج جمال قدم میفرمایند (..... هذا يوم مارات عين الابداع شبهه ولابصرالاختراع مثله بما اراد مولى الورى ان يزين فراش احدالاولياء الذى سَمى بعبدالبهاء من لسان الكبرياء بورقة من اوراق سدرةالوفاء التى زينهاالچه بطرازه الشهادة فى سبيله وانفاق الروح فى حبه)

ص ۲۴۳

۶ ششم قوس ۱۳۰۰ شمسی و ربیع الأوّل ۱۳۴۰ هجری قمری مطابق ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ میلادی در حیفا بوده است - هیكل مبارك از سن ۹ سالگی در مصائب پدر شريك و مدت شصت سال نفی و دربدر و توقیف و حبس بودند انقلاب و مشروطۀ عثمانی و فوت سلطان عبدالحمید بسال ۱۹۰۹ میلادی مطابق ۱۳۲۸ هجری قمری سبب استخلاص حضرتش گردید و از سال ۱۹۱۰ میلادی شروع بمسافرتهاى تبلیغی مصر - اروپا - امریکا و به بیداری نفوس قیام فرمودند که در متون تاریخ ذکر شده است - نطقهای مبارك در مجامع و کلیساها و کنیسه های یهود و کنفرانسهاییکه در اروپا و امریکا و غیره داده و مراسلاتیکه بشرق و غرب عالم ارسال داشته اند قدرت عظیمه و قیام حضرتشانرا میرساند حرم مبارك حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا منیره خانم اصفهانی بوده است

ص ۲۴۴

که از این خانم ۷ دختر و ۲ پسر بوجود آمدند بشرح ذیل :

۱ - ضیاء خانم (حرم آمیرزا هادی افنان) که اولادانشان حضرت شوقی ربانی شماره ۴۳ - روح انگیز - مهرانگیز - حسین افندی - و

ریاض افندی بوده اند -

۲ - روحا خانم (حرم آمیرزا جلال پسر سلطان الشهداء) که اولادانشان (مریم زهرا - منیب افندی - حسن) میباشند

۳ - طوبی خانم (حرم آمیرزا محسن) که اولادانشان (ثریا - روحی افندی سهیل افندی - فوآد) بوده اند

۴ - منور خانم (حرم آمیرزا احمد)

۵ - روح انگیزخانم ۶ - فوآدیّه خانم ۷ - حسین ۸ - مهدی ۹ - طوبی سن مبارک حضرت عبدالبهاء هشتاد سال بوده و عرض مطهرشان

ص ۲۴۵

در حیفاً در مقام اعلی در جوار عرض مطهر حضرت رب اعلی است - ولی حضرت منیره خانم قرب مقام اعلی در محل مراقب مدفونند - ناگفته نماند چون مرحوم میرزا بزرگ را همگی در فامیل آقا خطاب مینمودند و حضرت عبدالبهاء نیز با اسم ایشان مسمی گشته لهذا جمال مبارک همانطور که به پدر بزرگوارشان آقا خطاب میفرمودند بحضرت عبدالبهاء هم آقا خطاب و احباً نیز سرکار آقا ذکر مینمایند .

شماره ۴۱ بهائیه

اسم مبارکشان فاطمه خانم ملقبه بورقه مبارکه علیا که پس از اظهار امر جمال مبارک و دوره بهائی به (بهائیه) معروف و مسمّاء گشتند حضرت خانم صبیّه جمال مبارک و حضرت آسیه خانم بوده - تولدشان در طهران بسال ۱۲۶۳ هجری قمری و سه سال از حضرت عبدالبهاء کوچکتر

ص ۲۴۶

بوده اند - ایشان هم در نفی و سرگونی و صدمات پدر شریک و همسری برای خود قبول نفرمودند - بلکه پس از صعود جمال قدم در کلیه امور امری سهم بسزائی داشته و بعد از صعود حضرت عبدالبهاء تا موقعیکه حضرت ولی

امرالّه عهده دار امور امر گردند اداره کننده جامعه بوده - تلگرافات و مکاتبات متعدد بشرق و غرب عالم مخابره و ارسال و احبّا را باستقامت و ثبوت تشویق میفرموده اند - حضرت ورقه مبارکه علیا صدماتی را که بر هیکل مبارک جمال قدم در طهران وارد شده و همچنین مسافرت از طهران تا ارض مقصود و صدماتی را که در سجن اعظم بر هیکل مبارک و عائله مبارکه وارد گشته مفصلاً برشته تحریر در آورده که مطالعه آن برای عموم لازم و واجب است و چون مفصل بوده لذا از درج در این کتاب خودداری گشت - صعود مبارکشان در حیفا ۲۴ تیرماه ۱۳۱۱

ص ۲۴۷

شمسی که سال ۸۹ بدیع بوده است و مرقد منورشان حول مقام اعلی جنب مرقد حضرت آسیه خانم (مادرشان) و حضرت غصن آله الاطهر (برادرشان) در محل مراقد میباشد - توقیعات منیعه از یراعه فصاحت مولای توانا حضرت ولی امرالّه ارواحنا فداه در ذکر ومحامد و نعوت این خانم زکیه نازل که باید بصفحه ۱۱۵۳ الی ۱۱۶۵ رحیق مختوم مراجعه شود.

شماره ۴۲ میرزا مهدی

حضرت غصن آله الاطهر اسم شریفشان میرزا مهدی که از صلب جمال مبارک و بطن حضرت آسیه خانم بوده اند تولد ایشان بسال ۱۲۶۶ هجری قمری در طهران و از حضرت عبدالبهاء شش سال و از حضرت ورقه مبارکه علیا سه سال کوچکتر بوده اند و صعودشان غروب روز بیست و سوم ربع الأوّل سال ۱۲۸۷ هجری قمری و رویهمرفته

ص ۲۴۸

سن مبارکشان موقع شهادت ۲۲ سال بود .
زمان تبعید جمال مبارک از طهران به بغداد چون فصل زمستان و هوا بسیار سرد و راه نیز بی نهایت سخت بود و آمیرزا مهدی درآنموقع بیش از

سه سال نداشت لهذا صلاح ندانستند این طفل همراه بوده باشد بدین مناسبت او را در طهران بمنسوبین سپردند و پس از استقرار در بغداد فاطمه خانم حرم دوّم هیکل مبارک در سال ۱۲۷۶ بطهران آمده طفل مزبور را که ده ساله بود ببغداد برد. خلاصه از سنّ ده ببعده مدت ۱۲ سال ناظر نفی و سرگونی و حبس پدر بوده است و موقع شهادت چون در عکا غسل از غسل دادن ایشان امتناع نمود لهذا آحسن شماره ۹ (پسر ملازین العابدین عمو) که مشرف بوده مراسم غسل را بجا آورد - حضرتشان در قبرستان بنی صالح مدفون بودند که بارادۀ مطلقه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه رمس مطهرشانرا

ص ۲۴۹

با رمس مطهر مادرشان (آسیه خانم) بجبل کرمّل جنب مقام اعلی در محلّ مراقد انتقال دادند و برای اطلاع بیشتری از شرح حالشان بصفحه ۷۸۵ ریحیق مختوم مراجعه شود .
برای مزید اطلاع چون یکی از برادران مبارک بنام میرزا مهدی و بسال ۱۲۶۵ هجری قمری از این عالم صعود کرد و سال بعد نیز جمال مبارک صاحب فرزندی گشتند لهذا اسم او را میرزا مهدی نام نهادند .

شماره ۴۳ شوقی ربّانی

حضرت ولی امرالله اسم مبارکشان شوقی نام فامیلی ربّانی بوده که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بموجب وصیت نامه مبارک زمامدار امر الهی گشتند -
حضرتشان فرزند آمیرزاهادی افنان و ضیائیّه خانم (صبیّه

ص ۲۵۰

حضرت عبدالبهاء) بوده اند - تاریخ تولّد مبارک ۳ مارچ ۱۸۹۶ میلادی که مطابق است با ۱۲ اسفند ۱۲۷۵ شمسی در عکا و تاریخ صعود حضرتش لیلۀ دوشنبه اول شهرالقدره / ۱۱۴ بدیع و ۱۳ آبان ۱۳۳۶

شمسی و ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۷۷ هجری قمری

مطابق با چهارم نوامبر ۱۹۵۷ میلادی در شهر لندن بوده است
عمر عزیزشان وقف خدمت بامر و حفظ و صیانت امرالله و نقشه
فتوحات امریه بوده - در مقابل امر همه چیز حتی حیات خودشانرا
از دست داده اند - شب و روز قراری برای پیشرفت و نقشه های
فتوحات امر نداشته اند -

تاریخ حیاة مبارک مملو از فتوحات باهره بوده است - سن مبارک
(۱ - ۸ - ۶۰) شصت سال و هشت ماه و یک روز بوده - بطور کلی در سن ۲۵ سالگی زمام

ص ۲۵۱

امور امر را بعهدہ گرفته و مدت سی و شش سال ولایت امر را داشته اند
توقیعات منیعه مبارکه صادره بمحافل مقدسه روحانیّه و همچنین باعزاز
اشخاص و افراد شمارش آن از حد احصار خارج میباشد .
حرم مبارک روحیه خانم صبیّه مرحوم مستر ماکسول میباشد که
جزو ایادی امر محسوب هستند .
حضرت ولی امرالله (شوقی ربّانی) بهیچوجه صاحب اولادی نبوده اند

این بود مختصری از شرح حالات منسوبین و اقربای مبارک و نسبت
هرکدام بجمال قدم جل ذکره الأعظم

ص ۲۵۲

قسمت چهارم

خط و سجع مهر مبارک و بستگان و اشخاص دیگر

چنانچه در قسمت سوم ملاحظه گردید شرح حال منسوبین بطور اختصار
مذکور ولی چون ممکن است مدارکی در آتیه بدست آید که برای تاریخ
امر مفید و مثمر ثمر بوده و آیندگان نتوانند تشخیص دهند که مدارک و

اسناد مزبور متعلق بکی و چه اهمیتی را از لحاظ تاریخ داراست - لذا عکس سجع مهر منسوبین و بعضی از علمای موافق و مخالف و اشخاص دیگر که اهمیتی دارند در مقابل اسم هریک گذارده میشود که اگر مهوری ذیل اسناد و قبالات قرار داشته باشد بتوانند صاحب مهر را شناخته و نتایج تاریخی اخذ نمایند

ص ۲۵۳

۱- عکس خط و امهار مبارک حضرت بهاءالله جل اسمہ الاعلی
مهر مبارک ۴ گوش بسال ۱۲۵۱ هجری قمری (لاله الااله الملك الحق المبين عبده
حسینعلی)

مهر مبارک ۴ گوش ۱۲۵۷ الی ۱۲۶۱ هجری قمری (لاله الااله الملك الحق المبين
حسینعلی)

مهر مبارک ۴ گوش ۱۲۶۲ الی ۱۲۶۴ هجری قمری (لاله الااله الملك الحق المبين
حسینعلی)

خط و مهر مبارک که بعنوان شهود
در معاملهئی در سال ۱۲۶۲ مرقوم
داشته اند

ص ۲۵۴

۲- مهر میرزا عباس (والد مبارک) ۴ گوش (لاله الااله الملك الحق المبين
عبده عباس)

بیضی (عبده الراجی عباس)

۳- کلتوم خانم (عیال میرزا بزرگ) بیضی بزرگ (کنیز حضرت خیرالنساء بودکلتوم)

- ۴ - شیخ عزیزآله (عموی مبارک) بیضی (ادرکنی ما عزیزآله)
- ۵ - ملازین العابدین (عموی مبارک) بیضی (الملك آله عبده زين العابدین)
- ۶ - صفی قلی بیک (عموی مبارک) ۴ گوش (صفی قلی ابن رضاقلی)
- ۷ - کربلائى زمان (عموی مبارک) بیضی (پیرو دین محمد زمان)
- ۸ - میرزا خداویردی (پسر عموی میرزا بزرگ) بیضی (عبده الراجی خداویردی) ۴ گوش (صراط علی نسکه حق عبده خداویردی)
- ۹ - میرزا محمد حسن (اخوی مبارک) بیضی کوچک (محمدحسن) ۴ گوش (افرض امری آله عبده محمد حسن)

ص ۲۵۵

- ۱۰ - میرزا محمد قلی (اخوی مبارک) ۴ گوش (افوض امری الی آله عبده محمدقلی)
- ۱۱ - میرزاموسی کلیم (اخوی مبارک) بیضی کوچک (یا موسی) مثلثی (صبح موسی)
- ۱۲ - میرزاتقی پریشان (اخوی مبارک) بیضی (عبده محمد تقی) ۴ گوش (محمد تقی)
- ۱۳ - میرزا مهدی (اخوی مبارک) بیضی (عبده محمد مهدی)
- ۱۴ - میرزا رضاقلی (اخوی مبارک) بیضی (رضاقلی ابن عباس)

۱۵ - میرزا یحیی ازل (اخوی مبارک) ۴ گوش (عبده یحیی)

۱۶ - ساره خانم (همشیره مبارک) مثلثی (ساره)

۱۷ - محمد تقی خان شهید (بستگان مبارک) بیضی کوچک (محمد تقی)

۱۸ - آمحمد تقی شهید (بستگان مبارک) بیضی کوچک (و کان تقیاً)

ص ۲۵۶

۱۹ - میرزا علیمحمد شهید (بستگان مبارک) مثلثی (علی محمد)

۲۰ - ملا عبدالفتاح شهید بیضی (هوالفتاح العلیم)

بیضی (هوالفتاح العلیم)

۲۱ - ملا علی بابا ۴ گوش (لااله الااله الملك الحق المبین عبده علی بابا)

۲۲ - محمد صادق تاقری بیضی (محمد صادق)

۲۳ - میرزا مسیح نوری ۴ گوش بزرگ (لااله الااله الملك الحق المبین عبده محمد مسیح)

۲۴ - میرزامحمود (برادرزاده امی مبارک) بیضی (عبده محمود)

مثلثی (یا صبح محمود) بیضی (یاالله محمود)

بیضی (عبده محمود ابن محمد علی)

۲۵ - میرزاباقر (برادرزاده امی مبارک) بیضی (عبده الراجی)

محمدباقر (۴ گوش) عبده الراجی محمد باقر

۲۶ - ملا محمد تقی (علامه نوری) ۴ گوش (لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد تقی)

۲۷ - ملا محمد تنكابنی بیضی (اللهم صل على محمد و آل محمد)
۴ گوش (اللهم صل على محمد و آل محمد)

۲۸ - ملا عباس (داماد ملا محمد تقی) بیضی (عبده عباس)

۲۹ - حاج میزا هادی مجتهد (پسر ملا محمد تقی) ۴ گوش (یا هادی المضلین)

۳۰ - ملا عباس علی نوری بیضی (ادرکنی یا عباس علی)
چهار گوش (ادرکنی یا عباس علی)

۳۱ - آخوند ملا عباس قلی ۴ گوش (لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده عباس قلی)

۳۲ - سید محمد صادق طباطبائی مجتهد سنگلجی (که از قلم اعلی بکاذب ارض طا معروف است ۹۰۷ رحیق مختوم)

۳۳ - آخوند ملا ابراهیم بروجردی بیضی (محمد ابراهیم)

۳۴ - حاج ملا علی کنی مهر ۴ گوش (انا مدینة العلم و علی بابها)

۳۵ - میرزا مهدی (امام جمعه طهران) بیضی (عبده محمد مهدی ابن مرتضی سید الحسنی الحسین)

۳۶ - میرزا ابوالقاسم (امام جمعه طهران) بیضی (عبده ابوالقاسم ابن محمد محسن الحسنی الحسینی)

۳۷ - سید مرتضی (برادر میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران) بیضی (عبده مرتضی
ابن محمد محسن سیدالمحسنی الحسینی)

۳۸ - حاجی میرزا آقاسی بیضی کوچک (آقاسی)

۳۹ - مهر صدارت میرزا آقاخان صدراعظم نوری
بیضی بزرگ (نشان شیروخورشید دیوانخانه مبارکه دولت علیه ایران - ۱۲۶۷)

۴۰ - محمودخان کلانتر بیضی کوچک (محمود کلانتر)

۴۱ - میرزا علیرضا نجی عموزاده (جد خانواده ملک خسروی ۸۶۴ رحیق مختوم)
۴ گوش (لاله الااله الملك الحق المبين عبده علی رضا)

۴۲ - میرزا محمد حسین نوری نجی (پسر میرزا علیرضا) بیضی / افرض اهری الی الله
عبده محمد حسین)

۴۳ - میرزا مصطفی قلی نوری نجی عموی میرزا علیرضا (المتمسک بولاية علی مصطفی
قلی)

ص ۲۵۹

بفضل و عنایات الهیه کتاب اقلیم نور که فروش آن
بمنظور مهاجرت نور و تحت اختیار لجنه ملی مهاجرت
قرار داده شده خاتمه یافت امید است که خدمت
ناچیز حقیر در پیشگاه احبای عزیز مقبول
افتاده و از ساحت قدس جمال مقصود
رجای توفیق و تأیید طلبند

فروردین ماه سال ۱۳۳۷

محمد علی خسروی

نوری

ص ۲۶۰

چون مطالبی در این کتاب از قلم افتاده بود سزاوار دانست که در آخر آن درج گردیده و احبّای الهی را مستحضر دارد -

الف - صعود ساره خانم (اخت جمالقدم) که ذکرش در صفحه ۱۵۱ شده در ماه جمادی الثانی ۱۲۹۶ هجری قمری و صعود میرزا اسمعیل فرزندشان که در صفحه ۲۳۷ ذکرش گشته در پنجم ذیقعه سال ۱۳۲۲ هجری قمری بوده است
ب - تاریخچه تنظیم شجره نامه مبارکه :

همانقسمی که قبلاً در صفحه ۲۲۱ متذکر گردید میرزا فضل اله نظام الممالک (۳۴) در سنه ۱۳۳۵ هجری قمری حضور مبارک حضرت عبدالبهاء مشرف گردید . هیکل مبارک باو امر فرمودند که در مراجعت بتاگر شجره نامه فامیلی ما را تنظیم و بارض اقدس ارسال دار . مشارالیه با زحمات زیاد شجره نامه را تهیه و بوسائل اشخاص بمحضر مبارک ارسال و بعداً هم عریضه عرض مینماید لوحی در جواب عریضه

ص ۲۶۱

بتاریخ ۱۱ ذیقعه ۱۳۳۹ قمری باعزازش نازل که در صفحه ۲۲۳ درج گردید و در آن میفرمایند (شجره نامه مرسله نرسید) ایشان مجدد بتّهیه و تنظیم شجره نامه دیگری مبادرت نمود که صعود واقع گشت لهذا عریضه ئی بضمیمه شجره نامه ثانوی حضور مبارک حضرت ولی امراله ارواحنا فدا عرض که آمیرزاهادی افنان در جواب ایشان شرحی مرقومو عنایات مبارکه را ابلاغ و ضمناً مینویسند که شجره نامه تنظیمی شما توسط میرزا محمود زرقانی بمحضر انور واصل گردید - پس از چندی نیز لوحی در تاریخ ۱۳ شهرالمسائل ۹۰ مطابق ۲۳ دسامبر ۱۹۳۳ باعزازش نازل که چون مربوط بشجره نامه مبارک است عیناً درج میشود (تاگر جناب آمیرزافضل اله خان نوری علیه بهاءاله الابھی ملاحظه نمایند حسب الامر اقدس حضرت ولی امراله ارواحناللطافه الفداء این نامه از قبل وجود مبارک خطاب

بآن جناب مرقوم میگردد و مراد و مقصد حضرتشان آنکه کتاب موسوم بعالم بهائی

ص ۲۶۲

که در امریک بهمت اُمّناى رحمانى اعضاء محفل مقدس روحانى مركزى طبع میگردد و تا جلد چهارم طبع و در شرق و غرب نشر و توزیع شده اهمیت این کتاب در عالم مطبوعات بسیار بسیار عظیم است و در دائره نشریات امریه حائز رتبه و مقام رفیع سبب اقبال و تنبّه و تذکر و اطلاعات نفوس مهمه از حقایق و وقایع تاریخه امریه در اقصی و ادنی بلاد عالم شده و اعظام رجال با نهایت اشتیاق تمعن و تفرس و مطالع آنرا نموده و مینمایند و طالبان حقیقت که بسلامت نفس و پاکی طینت و صفای نیت متصف و متخلّقند مجذوب و مفتون محتویات و مندرجات موثوقه عالیّه این کتاب در هر کشور و اقلیمی شده اند در واقع این کتاب منادی امر است و دلیل و هادی طالبان بسلسبیل هدایت لهذا فرمودند بنویس که جلد خامس این کتاب جامع نفیس که مرآت جامعه در شرق و غرب است عنقریب در امریک طبع خواهد شد و شجره نامه جمال مبارک در آن بتفصیل

ص ۲۶۳

درج خواهد گشت پس آله مؤکداً عکس ابوی آمیرزا محمد حسن و اخوان ایشان آمیرزا و حاجی میرزا رضاقلی و سایر منتسبین از قدماء آنچه موجود باشد مع اوراق مهمه و سندات تاریخی راجع بشخص جمال مبارک و خانواده مرحوم وزیر فرمودند البته فوراً جمع نموده بنام این عبد با پست رأساً ارسال دارند بسیار لازم و مهم است و انتشار آن بغایت مفید و اجرش جزیل است - همچنین امر فرمودند محبت و مهربانی و تکبیرات و تحیات بدیعه مبارکه را بآن جناب ابلاغ دارم و بنگارم حسب الامر مبارک مرقوم گردید نورالدین زین ۱۳ شهر المسائل ۹۰/ ۲۳ دسامبر ۱۹۳۳ ملاحظه گردید بنده آستانش شوقی " با ملاحظه و مشاهده الواح مبارکه فوق معلوم گشت که شجره نامه را ابتدا مرحوم نظام الممالک تنظیم و بعداً حضرت ولی امراله ارواحنا فدا از روی همان شجره نامه شجره نامه جالبی طرح و همانطور که وعده فرموده بودند در جلد ۵ کتاب

عالم بهائی درج و منتشر گردید - چیزیکه بنظر بنده احتیاج بتوضیح است تفاوت جزئی بین این دو شجره نامه میباشد که سزاوار ندانست احبای الهی از آن بی اطلاع بوده و درآتیه نیز سوء تفاهمی ایجاد نماید -

۱ - مرحوم نظام الممالک در شجره نامه تنظیمی اولاد حضرت بهاء‌الله را از آسیه خانم فقط سه نفر (حضرت عبدالبهاء - بهائیه خانم - حضرت غصن اطهر) و از فاطمه خانم ۴ نفر (صمدیه خانم - میرزا محمد علی - میرزا ضیاء‌الله - میرزا بدیع‌الله) ذکر کرده است در صورتیکه در شجره نامه تنظیمی هیکل مبارک از آسیه خانم ۷ نفر (کاظم - اسم معلوم نشده - حضرت عبدالبهاء - علیمحمد - بهائیه خانم - علی محمد - حضرت غصن اطهر) و از فاطمه خانم ۶ نفر (صمدیه خانم - میرزا محمد علی - علی محمد - ضیاء‌الله - بدیع‌الله - سازجه) ذکر فرموده اند -

نظام الممالک اولاد حضرت عبدالبهاء را ۴ نفر (ضیاء خانم - طوبی خانم - روحا خانم - منور خانم) و اولاد ضیاء خانم را ۴ نفر (حضرت شوقی ربّانی روح انگیز خانم - حسین افندی - مهرانگیز خانم) ذکر کرده است در صورتیکه در شجره نامه تنظیمی هیکل مبارک اولاد حضرت عبدالبهاء را ۹ نفر (ضیاء خانم - منور خانم - طوبی خانم - روحا خانم - طوبی خانم - روح انگیز خانم - فواد حسین - مهدی) و اولاد ضیاء خانم را ۵ نفر (حضرت شوقی ربّانی روح انگیز خانم - مهرانگیز خانم - حسین افندی - ریاض افندی) ذکر نموده اند با توضیح و تشریح فوق تصور میرود که نظام الممالک اسامی اولادیکه از حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در کودکی صعود نموده اند ذکر ننموده فقط بذکر اسامی آنهائیکه بحّد رشد رسیده بودند اکتفا کرده است و شاید هم مراتب را در همان تاریخ بعرض مبارک رسانده باشد -

۲ - در شجره نامه تنظیمی مرحوم نظام الممالک (خانم گل) را نوه ازل یعنی دختر
میرزا نوراله معرفی کرده در صورتیکه هیکل مبارک در شجره تنظیمی او را دختر
میرزا یحیی ذکر فرموده اند -

۳ - در شجره نامه های تنظیمی نظام الممالک و هیکل مبارک اولاد میرزایحیی از
زن شیرازی را سه نفر (احمد - عبدالعلی - صیمنه) نوشته است ولی در شرحی
که حضرت ورقه مبارکه علیا از سرگذشت حضرت بهاءآله و حضرت عبدالبهاء مخصوصاً
عده نفوسیکه در رکاب جمال اقدس ابھی از بغداد باسلامبول حرکت کرده
میفرمایند يك اولاد دیگر بنام نوروز علی داشته است -
این بودمختصر شرحی که از قلم افتاده و فعلاً بذکر آن مبادرت گردید .
